

Logical Fallacies 10

مغالطات منطقی ۱۰

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

مغالطه آرزو اندیشی (Wishful Thinking)

مثبت اندیشی و امیدواری به آینده روشن امری مطلوب و پسندیده است، به شرط اینکه انسان را دچار تفکر آرزومندانه نکند. از آنجا که انسان از آرزوهای خود لذت می برد گاهی با خیالبافی و توهم، وضعیتی مطلوب را به جای عالم واقع در ذهن خود ایجاد می کند و از آن لذت می برد. تاثیر این خیال بافی ها گاهی تا اندازه ای است که تفکر و استدلال او را نیز تحت تاثیر خود قرار میدهد. به این وضعیت «مغالطه آرزو اندیشی» گفته می شود. البته آرزو اندیشی از جمله «مکانیسم های دفاعی ذهن» (defense mechanisms of the mind) نیز به شمار می آید.

آرزو اندیشی یک نوع مغالطه منطقی محسوب میشود زمانی که ما برای اثبات ادعای خود، بجای اینکه با واقع بینی، فکت بیاوریم آنچه را دوست داریم واقعیت داشته باشد را به عنوان دلیل بیاوریم. در آرزو اندیشی فرد از آنچه دوست دارد درست باشد، نتیجه می گیرد چیزی درست است.

وقتی که ما ایده و نظری را بپذیریم نه به این دلیل که عملی و درست است بلکه بخاطر اینکه دوست داریم درست باشد، گفته میشود گرفتار این مغالطه شده ایم.

به همین ترتیب اگر ما ایده و سخنی را نادرست بدانیم بخاطر اینکه آن ایده ما را اذیت می کند و دوست نداریم واقعیت داشته باشد، باز دچار این مغالطه هستیم. (من دوست ندارم اینطور باشد پس اینطور نیست).

آمال و آرزوهای ما ممکن است مبتنی بر عقل و منطق نباشد. ما نباید تصور کنیم که عالم واقع همانطور است که ما آرزو می کنیم.

● انشالله امسال بارندگی خوب خواهد بود و خشکسالی چند سال گذشته برطرف خواهد شد.

اگر کسی صرفاً بر اساس میل انسان به جاودانگی بخواهد به اثبات معاد بپردازد، دچار این مغالطه شده است. مثلاً کسی بگوید:

● ما بعد از مرگ نیست و نابود نمی شویم، بلکه دوباره زنده خواهیم شد و زندگی ابدی خواهیم داشت و دلیل آن این است که همه انسانها میل به جاودانگی دارند،

این استدلال مغالطه آمیز است.

اگر برادر ما قصد داشته باشد که یک شغل جدید راه اندازی کند و ما بگوییم:

● من اطمینان دارم تو در این شغل موفقیت زیادی کسب خواهی کرد و ثروت هنگفتی بدست خواهی آورد،

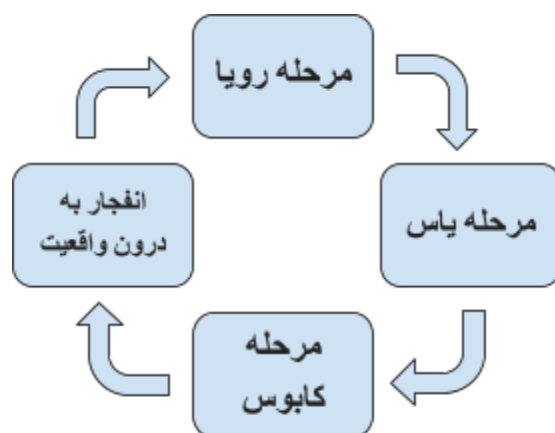
بدون اینکه دلیل و برهان مشخصی داشته باشیم بر اساس آرزو اندیشی صحبت کرده ایم.

مادری که به دختر خود می گوید مطمئن هستم خوشبخت خواهی شد، باز بر اساس آرزو اندیشی سخن گفته است.

آرزو اندیشی یعنی اینکه چیزی اتفاق خواهد افتاد چون من دوست دارم اتفاق بیافتد یا چیزی اتفاق نخواهد افتاد چون من دوست ندارم اتفاق بیفتد.

- در سالهای اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برخی با توسل به آرزو اندیشی ادعا می کردند که جمهوری اسلامی بزودی سرنگون میشود.
- امروزه کسانی در ایران هستند که با توسل به آرزو اندیشی ادعا میکنند امریکا رو به افول است و روزی کاخ سفید را حسینیہ خواهند کرد. انسان باید مراقب باشد آرزوهایش او را فریب ندهند و از فهم حقایق باز ندارند.

کریستفر بوکر (Christopher Booker) آرزو اندیشی را به شکل «چرخه اوهام» به این ترتیب تشریح می کند که ابتدا انگیزه ناخودآگاه فرد برای انجام کاری همان آرزو اندیشی اوست. انسان در «مرحله رویا» قرار می گیرد. در این مرحله او با قوه خیال خود آرزوی خود را دست یافتنی تصور می کند. در این مرحله همه چیز شیرین و دست یافتنی به نظر می آید. اگر این داستان ذهنی نسبتی با واقعیت نداشته باشد و روند وقایع بر وفق مراد پیش نرود مرحله رویا کم کم جای خود را به «مرحله ناامیدی» میدهد. تراکم فشار واقعیت فرد آرزو اندیش را از مرحله ناامیدی به «مرحله کابوس» می کشاند. در نهایت «انفجار به درون واقعیت» اتفاق می افتد و این زمانی است که بالاخره توهم در هم فرو می ریزد.



چرخه اوهام در آرزو اندیشی

کسانی که به **قانون جذب** باور دارند، سخت گرفتار آرزو اندیشی هستند. آنها دچار این توهم هستند که وقتی چیزی را از کائنات بخواهید، انرژی هایی از سمت شما به کائنات می رسد و سپس این انرژی به شما باز میگردد و شما آن را در دنیای واقع بدست خواهید آورد. بسیاری کسانی که عکس ماشین یا خانه مورد علاقه خود را به دیوار اتاقشان می چسبانند به این امید که با «قانون جذب» آنرا در دنیای واقعی دریافت کنند، حال اینکه جهان هستی نسبت به ما، خواسته های ما و آرزوهای ما بی اعتنا و بی تفاوت است.

در مسابقات ورزشی بیشتر پیش بینی های طرفداران فوتبال بر اساس آرزو اندیشی است تا واقعیت ها.

باید با آرزو اندیشی مبارزه کرد وگرنه در دراز مدت انسان را گرفتار توهم میکند به شکلی که انسان ارتباطش را با جهان واقعی از دست می دهد.

بخصوص برای سیاستمداران و رهبران سیاسی کشورها فاصله گرفتن از آرزو اندیشی اهمیت فراوانی دارد، چون آرزو اندیشی ممکن است آنها را دچار توهمات خطرناک کند و کشور خود را درگیر جنگ و فلاکت کند.

البته رویا پروری و آرزو داشتن همیشه چیز بدی نیست، مادامیکه جلوی نگاه واقع بینانه ما را نگیرد. عقلانیت حکم میکند باورهایی منطبق بر واقعیات داشته باشیم. مثبت اندیشی سازنده امری مطلوب است زیرا باعث میشود امید به آینده داشته باشیم.

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.